

رد مقاومت و اشاعه تسلیم

در جلسه گرامیداشت خاطره جانباختگان سال ۶۷ !

در تاریخ بیست و هفتم سپتامبر "جمعیت دفاع از حقوق بشر- جنوب کالیفرنیا" جلسه ای به مناسبت بیست و یکمین سالگرد قتل و ۱۳۶۷ و در گرامیداشت خاطره هزاران زندانی سیاسی که در تابستان آن سال بوسیله جمهوری عام زندانیان سیاسی در سال اسلامی به قتل رسیدند در دانشگاه "یوسی ال ا" در شهر لوس آنجلس برگزار نمود. حمایت برخی از افراد تشکیل دهنده این از خاتمی جمعیت از جناح اصلاح طلب حکومتی بر همگان عیان است و بر کسی پوشیده نیست که بسیاری از این افراد های دیروز هستند که حال از موسوی و بیرق سبز اش دفاع می کنند. به واقع دفاع از جمهوری اسلامی از طریق حمایت چی از جناح اصلاح طلب حکومتی بخشی از کارنامه این افراد می باشد. برای آنها دیگر فرقی نمی کند که اصلاح طلبی که پشت سرش سینه می زنند کسی باشد چون موسوی که در دوران نخست وزیری اش هزاران کمونیست و مبارز آزادیخواه را در یعنی کسانی را به دار آویخته است که اینها برایشان دارند در لوس آنجلس مراسم بزرگداشت تابستان سال ۶۷ به قتل رساندند. دفاع اصلاح طلبان غیر حکومتی یعنی افراد و نیروهای راست و سازشکار از جناحی از جمهوری اسلامی به می گیرند! های اصلی تصمیم گیرنده در به قتل رساندن آن عزیزان بدون آنکه کلامی در باره نقش رهبری موسوی یعنی یکی از مهره اصلاح طلبان حکومتی و بویژه موسوی در آن زمینه در این گونه میتینگها به زبان آورده شود بخوبی بیانگر ماهیت چنان میتینگها و استفاده کاسبکارانه برگزارکنندگان چنین مراسم هائی از کشتار انقلابیون کمونیست و آزادیخواه را آشکار می سازد.

این میتینگ سه سخنران داشت ، محمدرضا معینی ، مینا انتظاری و مهدی اصلانی. سخنران اول به موضوع زندان و زندانی سیاسی پرداخت. او این موضوع را به سه دوره تقسیم کرد. دوره اول از نظرش از آغاز حکومت رضا خان قلدر آغاز گردید و تا دهه ۵۰ ادامه داشت. دوره دوم را متعلق به دهه پنجاه و دوره سوم را دوران دهه ۶۰ اعلام نمود. این شخص گفت کتابی که از دوره اول باقیست کتاب "۵۳ نفر" است که کتابی است که "فاقد سندیت تاریخیست". در برخورد به دهه پنجاه این فرد با ضدیت کینه توزانه و دروغ پردازیهای آشنایی که نمونه چنان دروغهایی را در کتاب وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی به نام "چریکهای فدایی خلق از اولین کنش ها تا بهمن ۱۳۵۷" به کرات می توان مشاهده کرد، به یکی از آثار تاریخی و بسیار موثر چریکهای فدایی خلق ایران کتاب "حماسه مقاومت" نوشته رفیق اشرف دهقانی اشاره کرده و حاضرین را به آن "رجوع" داد. پیش از آن که به گفتههای این فرد در باره "حماسه مقاومت" در این جا اشاره کنیم ، این را باید گفت که این شخص برای زمینه چینی به منظور تحریف مطالب کتاب "حماسه مقاومت" ابتدا چنین گفت "اساسا مقاومت در زیر شکنجه معنی ندارد چونکه شکنجه موجب درد بر فردی که شکنجه بر او اعمال می گردد می شود." آیا این حرف از همان حرفهایی نیست که در این سالها از طرف راستها برای نفی و ماست مالی کردن مقاومت و ایستادگی زندانی سیاسی در زندان به مثابه عرصه ای از مبارزه طبقاتی و اصولا رد هر گونه مبارزه رادیکال و انقلابی از طرف تودهها شنیده شده و اشاعه یافته است؟ سخنران، محمدرضا معینی ، در ادامه صحبتهايش گفت "خانم اشرف دهقانی برای توجیه مقاومت در زندان در کتاب حماسه مقاومت گفته شکنجه منجر به درد بر فردی که شکنجه بر او اعمال می شود نمیگردد". آیا این دروغ آشکار توهین به شعور آن بی شمار انسانهایی که این کتاب را خوانده اند و تحت تاثیر این کتاب به مبارزه سیاسی و خصوصاً به صفوف چریکهای فدایی خلق ایران پیوستند، نیست؟ که بسیاری از آنها هنوز در حیاتند و در راه رهایی کارگران و زحمتکشان از سلطه مناسبات ستمگرانه و استثمارگرانه سرمایه داری مبارزه می کنند؟ و آیا نام دیگری به جز دروغ پردازی و قیحانه بر این گونه حرفها می شود گذاشت؟ او در ادامه البته در مسیر کینه ورزی آشکار با دیدگاه و جریان انقلابی ناخواسته حرفی را زد که بیانگر بخشی از حقیقت می باشد و آن حقیقت آن است که بسیاری از جوانان دهه پنجاه با خواندن حماسه مقاومت و تحت تاثیر آن به مبارزه سیاسی و به صفوف چریکهای فدایی خلق پیوستند او گفت "جوانان امروز بر خلاف جوانان دهه پنجاه که متأسفانه تنها کتاب حماسه مقاومت را در ارتباط با زندان برای گزینش داشتند کتابهای زیادی در این مورد برای انتخاب در دسترس" دارند. و در زمینه نوع "روایت" کتاب هم گفت "حماسه مقاومت نوشته خانم اشرف دهقانی به خاطر آنکه بر پایه یک ایدئولوژی نوشته شده یک روایت رسمی

مانند روایت حکومت‌های استبدادپرست". من که در این میتینگ حضور داشتم و کتاب هم همراه بود با بلند کردن کتاب - هر چند با اعتراض گردانندگان میتینگ به بهانه این که "نظم" میتینگ بهم می‌خورد مواجه شدم - گفتم "کتاب همراه است و رفیق اشرف در کتابش چنین حرفی را که شکنجه درد آور نیست نزنه است" و از سخنران خواستم که نشان دهد در کجای کتاب این حرف گفته شده است؟ اما سخنران همچون همه راستها که کارشان بدون تحریف و دروغ پیش نمی‌رود گرچه می‌دید که مشقت اش در مقابل جمعیت باز شده است به جای پاسخ گوئی ترجیح داد موضوع را با سکوت ماست مالی کند. سکوتی که بار دیگر پرده از ماهیت راستهائی بر میدارد که مراسم بزرگداشت جانباختگان جریان قتل عام زندانیان سیاسی را محل کمونیست ستیزی و عناد جویی با جریانات رادیکال، جریاناتی که در واقع آرمانها و اهداف آن جانباختگان را پاس داشته و در راه تحقق آن اهداف مبارزه می‌کنند نموده اند. این جریانات و افراد چه مزورانه و رذیلانه مرگ آن انسان های والا را که بسیاری از آنها صرفا به جرم آزادیخواهی و مارکسیست بودن و پایداری بر آرمانهای خود و مقاومت در مقابل حاکمین وقت جمهوری اسلامی به جوخه‌های اعدام سپرده شدند و در گورهای دسته جمعی در مکانهایی مانند گلزار خاوران و مکانهای بی نام و نشان دیگر دفن شدند ، دست آویز تحریف آن آرمان ها و مقاومت ها و "رونق" دادن به ایده‌ها و اهداف راست و سازشکارانه و همچنین فریب جوانانی که تصویری از آن دوره سیاه ندارند کرده اند.

اصلاح طلبان غیر حکومتی در خارج ار کشور ، همان طوری که می‌دانیم در جریان مبارزات سترگ چند ماهه اخیر در حمایت از اصلاح طلبان حکومتی بر خاسته که می‌کوشند مبارزات توده‌های در بند ایران را در چهار چوب تضاد های میان جناح های حکومتی مهار کرده و از سرنگونی جمهوری اسلامی جلوگیری نمایند . آنها به هر وسیله ای متوسل می شوند تا بیرق سبز موسوی یکی از قاتلین هزارن مبارز کمونیست و آزادیخواه در تابستان ۱۳۶۷ که همین امروز علنا فریاد می زند "جمهوری اسلامی نه یک کلمه کمتر نه یک کلمه بیشتر" را بر افراشته نگهدارند. این ها علیرغم مشاهده مصاف خیابانی جوانان و جنگ و گریز آنها با "برادران بسیجی" موسوی آن هم با شعار "می‌کشم ، می‌کشم آن که برادرم کشت" باز هم بیشرمانه ادعا می‌کنند که جوانان به "مبارزه مسالمت آمیز" باور داشته و "گل بر گلوله" پیروز می‌گردد؟ به راستی چنین کسانی چه صلاحیتی جهت برگزاری مراسم یادمان آن جان باختگان دارند؟

در این مراسم فعالین چریک‌های فدایی خلق با نصب دو بنر با شعار های "مرگ بر جمهوری اسلامی ایران" و "زنده باد انقلاب" مبادرت به گذاشتن میز کتاب نموده بودند که مورد استقبال شرکت کنندگان قرار گرفت.